روزنامه شرق

یکشنبه ۸ آذر ۱۴۰۵
۱۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
۲۹ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۳۹
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



پیام تسلیت
رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت رضا امیرخانی

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: توقف کمک نظامی کره شمالی به روسیه • خطر ژئوپلیتیکی بیخ گوش ایران/ علی ودایع • «هملت» شکسپیر و وضعیت دشوار انسان مدرن

«شرق» فشار ایالات متحده برای خروج اعضای بزرگ اوپک و تلاش برای فروپاشی این سازمان را بررسی می‌کند

آمریکا در اندیشه بازارگردانی نفت

گزارش تیتر یک را در صفحه ۶ بخوانید



این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

سرمقاله

میز ریاست و فقه مصلحت

دگردیسی در اندیشه سیاسی؟



کیومرث اشتریان

چگونه عنصر مصلحت به ضد خود تبدیل می‌شود و چه اتفاقی می‌افتد که تشخیص انفرادی کارگزاران جایگزین سازوکار نهادی تشخیص مصلحت عمومی می‌شود؟ پاسخ خلاصه این است: در تبرّج وفاداری و اسلام‌نمایی، در منفعت‌گرایی افراد یا در عدم شناخت. در جمهوری اسلامی این خطر وجود دارد که نهاد مصلحت به نفع نیروهایی مصادره شود که میز ریاست خود را در اولویت قرار می‌دهند و نه اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی را. انقلاب اسلامی که با افرادی همچون مطهری، بهشتی، خامنه‌ای و هاشمی شناخته می‌شد و از معناگرایی توحیدی سرچشمه گرفته، در کوران حوادث و در جریان عملیات روزمره خود در چالشی عمیق با عنصر «مصلحت منیت‌گرا» قرار می‌گیرد. «مصلحت» در فقه سیاسی، توان جمهوری اسلامی را در انطباق با شرایط زمانه و به‌ویژه بن‌بست‌شکنی‌های حکومت‌داری نشان می‌دهد، اما در عملیات روزانه دیوان‌سالاری درگیر منافع و مصلحت‌اندیشی‌های شخصی برخی کارگزاران امنیتی-قضائی-سیاسی می‌شود. یعنی آنچه که قرار بود از حیث اندیشه سیاسی یک نظام کارآمد تولید کند، می‌تواند به توجیهی برای کنش سیاسی-قضائی افراد یا گروه‌ها تبدیل شود و مصلحت فردی و قضاوت‌های سیاسی خویش را جایگزین مصلحت حکومتی کند. مصلحت، یک عنصر قراردادی در نهادهای درون‌حکومتی است و ناشی از اجماع خبرگی در درون حکومت و اساسا پدیده‌ای از جنس تکثرگرایی درون‌سیستمی است. اما فردگرایی، فرقه‌گرایی و قضاوت شخصی به تدریج می‌تواند جای «مصلحت قراردادی حکومتی» را بگیرد. این مهم در عرصه سیاست‌های امنیتی-قضائی بیشتر نمود پیدا می‌کند؛ چراکه تشخیص امنیتی-قضائی از آن‌رو که امکان مباحثه عمومی در سطح خبرگی ندارد، معمولا با سایه سهمگینی همراه است که کسی را امکان مقاومت در برابر آن نیست.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

از تامپا تا ایران



ابراهیم شیخ

عضو هیئت‌علمی سازمان مدیریت صنعتی

در تحقیقات خود درباره «حصر تجاری ایران» به زنجیره‌ای از تصمیم‌ها دست یافته‌ام که از تامپا (فلوریدا) آغاز شده و به صف کامیون‌های ایرانی در مرزها می‌رسد. تولد «دروازه آهنین» در تامپا به هفتم نوامبر ۲۰۲۶، زمانی که دریادار برد کوپر (فرمانده سنتکام) دستور تشکیل «نیروی ویژه دروازه آهنین» را با حدود ۲۰ نفر پرسنل در تامپا امضا کرد، بازمی‌گردد. مأموریت اعلامی، جلوگیری از انتقال سلاح، فناوری دوکاربردی و جریان‌های مالی غیرقانونی از مرزهای زمینی ایران و دریای خزر بود. کوپر خود اعتراف کرده این نیرو «محاصره دریایی» علیه ایران را تقویت می‌کند؛ یعنی محاصره دریایی به‌تنهایی کافی نبوده و حالا نوبت خشکی است. شواهدی از اعمال این سیاست عبارت‌اند از:

- صف کامیون‌ها؛ تصویر واقعی

• مرز بازرگان: حداقل پنج هزار کامیون متوقف، برخی بیش از ۳۵ روز انتظار، هزینه روزانه ۱۷۵ دلار برای هر کامیون

• مرز ریمدان (پاکستان): صدها کامیون ایرانی متوقف

• گذرگاه «یالاما» (قزاقستان-ازبکستان): حداقل هزارو ۲۰۰ کامیون در صف ده‌هاکیلومتری

• در برخی مواقع ۳۰ هزار کامیون در مجموع مرزهای کشور متوقف هستند.

• هزینه حمل کانتینر از چین از حدود سه هزار دلار (دریا) به حداقل ۱۲ هزار دلار (زمینی) رسیده است؛ سالانه حداقل ۱۸ میلیارد دلار هزینه اضافی به تجارت ایران تحمیل می‌شود.

- طراحی در تامپا، اجرا در مرزها

«دروازه آهنین» یگان رزمی نیست؛ مأموریتش هماهنگی، فشار و مختل‌سازی است. آمریکا با اهرم‌های دیپلماتیک و اطلاعاتی، کشورهای همسایه را تحت فشار می‌گذارد تا گذرگاه‌ها را محدود و بازرسی‌ها را تشدید کنند.

نتیجه: مرزها «باز» اما تجارت زمینی به باتلاقی پرهزینه تبدیل شده است.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

مانی‌بال؛ عبور از طلسم رقابت نابرابر



روزبه کردونی

در بهار ۲۰۰۲، اوکلند اتلتیکس سه ستاره اصلی‌اش را به تیم‌های ثروتمندتر از دست داد. بازار بیسبال، پیش از آغاز فصل، حکم شکست تیم را صادر کرده بود: اوکلند با بودجه‌ای نزدیک به ۴۰ میلیون دلار باید با یانکیز نیویورک رقابت می‌کرد که حدود ۱۲۶ میلیون دلار برای بازیکنانش هزینه داشت. مدیران اوکلند می‌دانستند هرقدر هم در منطق یانکیز بهتر عمل کنند، باز در همان منطق می‌بازند؛ زیرا آن سوی میدان، پول بیشتری برای خرید همان مزیت‌ها وجود داشت. راه اوکلند، ساختن منطقی متفاوت برای رقابت بود. پس به‌جای خریدن نام‌های بزرگ، سراغ ارزش‌هایی رفتند که بازار، در هیاهوی شهرت، ظاهر و عادت‌های حرفه‌ای، نمی‌دید. اوکلند آن فصل ۱۰۳ بازی را برد و به پلی‌آف رسید. بعدها این منطق با نام «مانی‌بال» شناخته شد: هنر یافتن ظرفیت‌هایی که عادت، سلسله‌مراتب و سنجه‌های غلط پنهانشان کرده‌اند. با انتقال این مفهوم و منطق به حوزه حکمرانی و عرصه عمومی، رویکردی شکل گرفت که می‌توان آن را Moneyball Governance یا «حکمرانی مانی‌بالی» نامید؛ رویکردی که می‌پرسد در یک وضعیت نابرابر، منابع محدود کجا بیشترین اثر را دارند، کدام ظرفیت‌ها نادیده مانده‌اند و چگونه باید از منطق رایج شکست فاصله گرفت. ایران امروز نیز برای مواجهه با مسائل و بازتعریف آنها، به رویکردی مانی‌بالی نیاز دارد. کشور در وضعیتی پیچیده قرار گرفته است. جنگ اقتصادی، تحریم، محدودیت دسترسی به منابع و مبادلات، فشار تورمی، فرسایش قدرت خرید و سایه نااطمینانی بر زندگی روزمره مردم وجود دارد.

مسئله نظام حکمرانی امروز فقط تنظیم دخل‌وخرج نیست؛ باید هم‌زمان برای دفاع از ایران و مقاومت در برابر متجاوزان آماده باشد، از نیروهای مسلح شجاع کشور پشتیبانی کند و خدمات پایه، دارو و درمان، حداقل معیشت، ظرفیت اشتغال، امید اجتماعی و انسجام ملی را حفظ کند. در چنین شرایطی، با شیوه‌های عادی، رویه‌های عادی، نگاه عادی و سیاست اجتماعی عادی نمی‌توان پیش رفت. نظام حکمرانی ناگزیر است منطق خود را تغییر دهد: ببیند منابع محدود کجا بیشترین اثر را دارند، چه ظرفیت‌هایی در ساختارهای رسمی و اجتماعی پنهان مانده‌اند و چگونه می‌توان هزینه بحران را عادلانه‌تر و انسانی‌تر توزیع کرد. در کنار هدف‌گذاری برای حمایت معیشتی از ضعیف‌ترین اقشار، چنین تغییری باید سه مؤلفه دیگر را نیز در کانون توجه قرار دهد:

الف) شفافیت: مردم باید بدانند منابع محدود چرا محدود شده‌اند، کجا هزینه می‌شوند، چه چیزهایی به تعویق می‌افتند و چه حوزه‌هایی به هر قیمت حفظ خواهند شد. شفافیت فقط انتشار جدول‌های پیچیده بودجه‌ای نیست؛ یعنی مردم بتوانند منطق انتخاب‌های سخت را بفهمند. بدون شفافیت، اولویت‌بندی در چشم جامعه، به‌جای عدالت، شبیه تبعیض و رانت دیده می‌شود.

ب) احترام: سیاست اجتماعی فقط انتقال پول نیست؛ مسئله کرامت است. حمایت از مردم نباید به صف، اثبات مکرر فقر، تحقیر اداری یا انتظار برای لطف تبدیل شود. شهروند دریافت‌کننده صدقه نیست؛ صاحب حق است. سیاست رفاهی اگر فقط معیشت را ببیند و کرامت را نبیند، شاید فقر را برای مدتی سبک کند، اما تحقیر را ماندگار می‌کند.

ج) مشارکت: جامعه فقط مخاطب سیاست نیست؛ دانشگاه‌ها، تشکل‌ها، گروه‌های حرفه‌ای، تعاونی‌ها، شبکه‌های محلی و خود گروه‌های هدف، بخشی از دانش و ظرفیت حل مسئله هستند. مشارکت، بار نظام حکمرانی را کم نمی‌کند، اما آن را عاقلانه‌تر، دقیق‌تر و قابل‌اجراتر می‌کند. ظرفیت‌های پنهان کشور، اغلب نه در ساختمان‌های مرکزی، بلکه در همین لایه‌های اجتماعی و محلی قرار دارند. در این میان، باید میان نقد دولت و تخریب دولت تمایز گذاشت. نقد، شرط اصلاح است؛ اما تضعیف دولت در وضعیت فشار و جنگ اقتصادی، خطای راهبردی است.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

پول برای ازدواج دانشجویی؟



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

سخنان رئیس‌جمهوری درباره ازدواج دانشجویی در دیدار صمیمی هفته گذشته با جمعی از دانشجویان، انعکاس ویژه‌ای در رسانه‌ها داشت. نکته مورد تاکید رئیس‌جمهوری پایین‌آوردن سطح توقعات جوانان و تسهیل امر ازدواج به‌ویژه در بین دانشجویان بود. او در این دیدار خودمانی و بدون تکلف، مرز بین خود با مخاطبان را برداشت و به‌جای سخن‌گفتن از موضع شخص اول اجرائی کشور، در مقام پدری مهربان و دلسوز با بیانی طنازانه با فرزندانش سخن گفت. البته این شیوه برخورد بسیار شایان تقدیر است، اما اهمیت مقوله ازدواج و اقتصادیات آن ایجاب می‌کند با ظرافت و دقت بیشتری به ابعاد آن توجه کنیم. در این حوزه نکات زیر ارزش تأمل بیشتری دارند:

۱- در چند دهه اخیر تعداد موارد ازدواج سالانه با کاهش روبه‌رو بوده، اما در سال‌های اخیر این کاهش سرعت نگران‌کننده‌ای گرفته است. در سال ۱۳۸۰ میزان کاهش نسبت به سال قبل ۰،۷۱ درصد بوده، اما در سال ۱۴۰۰ به ۸،۹ درصد رسیده است. از سوی دیگر، در همین دوره تعداد موارد طلاق هم به سرعت افزایش یافته است. در سال ۱۳۸۰ نسبت ازدواج به طلاق ۱۰،۶ برابر بوده که در سال ۱۴۰۰ به ۲،۳۷ برابر سقوط کرده است. این آمار از هر زاویه‌ای که مورد بررسی قرار بگیرد، نگران‌کننده است. کاهش آمار ازدواج در دهه‌های اخیر یکی از عوامل مهم تأثیرگذار در کاهش میزان ولادت بوده است. تعداد موارد ولادت از ۱،۶ میلیون مورد در سال ۱۳۷۰ به کمتر از ۰،۹ میلیون در سال گذشته رسیده که این نشان‌دهنده بروز بحران حاد جمعیتی است.

۲- کاهش چشمگیر آمار ازدواج متأثر از عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. تداوم رکود، گسترش بیکاری و فقر، افزایش نجومی قیمت مسکن، بی‌اطمینانی نسبت به آینده و در کنار آنها تغییر فاحش رابطه نسل جوان با نسل قبل، کاهش نقش خانواده در امر ازدواج، انتظارات و توقعات و... همه و همه دست در دست هم داده و کار ازدواج را برای نسل جوان دشوار کرده‌اند. خروج از این وضعیت دشوار در گرو این است که متولیان امر با استفاده از ذخیره دانایی جامعه، مطالعه دقیقی در این زمینه انجام دهند و تدبیری خردمندانه برای آن بیندیشند. البته این را هم باید اضافه کنم که نگارنده هر بار توصیه‌ای به مطالعه در موضوع مهمی می‌کند، بلافاصله این نگرانی برحق سراغش می‌آید که آیا همین توصیه بهانه به دست فرصت‌طلبان نخواهد داد که یک قرارداد پژوهشی با فلان شخص حقیقی نورچشمی یا یک مؤسسه نجومی‌بگیر خودی ببندند تا بخشی دیگر از منابع کشور توسط بودجه‌بگیرانی که پاسخ‌گوی هیچ‌کسی و هیچ‌جایی نیستند، به تاراج برود؟!

۳- معمولا متولیان امر به محض برخورد با چنین وضعیت‌های دشواری، به‌سرعت و در اولین قدم به فکر دادن وام می‌افتند. وقتی در دوران دولت دوازدهم صنعت خودروسازی کشور با بحران اعتراضی و کاهش تقاضا روبه‌رو شد، شاه‌بیت تدبیر مسئولان دادن وام برای خریداران خودرو بود، نه تلاش برای رفع معایب و بهبود کیفیت محصولات. همچنین وقتی قیمت مسکن با رشد نجومی روبه‌رو شده و نیازمندان مسکن دستشان از بازار کوتاه شد، متولیان امر نسخه افزایش سقف وام مسکن را پیچیدند و توجهی به این واقعیت تلخ نکردند که در چند دهه گذشته افزایش سقف وام مسکن کمکی به اقشار محروم نکرده است. در مواجهه با بحران ازدواج نیز اولین راه‌حلی که به نظر مسئولان محترم می‌رسد، افزایش سقف وام ازدواج است و بس. آنان هرگز به این نکته نمی‌اندیشند که توقع مهار چنین بحرانی از طریق دادن وام فقط یک توهم است.

۴- راه‌حل دیگری که مسئولان وقت برای مهار بحران جمعیتی اندیشیده‌اند، تشویق فرزندآوری و دادن تسهیلات به فرزند چهارم و پنجم است. این راه‌حل به آن معناست که چون تشویق جوانان به ازدواج و فرزندآوری پرهزینه است، بهتر است راه‌حل‌های کم‌هزینه‌تر آزموده شود! علت افزایش نجومی جمعیت جوانان مجرد در چند دهه اخیر، ساده‌اندیشی‌هایی از این نوع بوده است.

۵- ناگفته نماند با توجه به کارنامه نامطلوب سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان، در سال‌های گذشته هر بار که سیاست دولت‌های وقت در برخورد با پدیده مهاجرت گسترده اتباع مورد توجه ناظران و افکار عمومی قرار گرفته، چنین تلقیاتی در بین جامعه رایج شده که گویا هدف مسئولان از دامن‌زدن به چنین مهاجرتی و تسهیل آن، مهار بحران جمعیتی است و چنین مهاجرتی را راه‌حلی برای جوان‌سازی جمعیت می‌پندارند. شاید انگیزه دولتمردان وقت از تسهیل جریان مهاجرت این مورد نبود، اما با این حال گفتن این مطلب ضرورت دارد که هرگز چنین راه‌حل‌هایی نمی‌تواند عقلایی و خردمندانه تلقی شود.

ادامه در صفحه ۴

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از تبلیغات گسترده خریدهای اقساطی هم‌زمان با جمعه سیاه که مردم را با قسط‌های سنگین ماهانه، مقروض‌تر کرده است

موج جدید بدهکاری با خریدهای اعتباری

۵

بحران مسکن و فساد، کارنامه ۸ ساله دولت سانچز را به چالش کشیده است

اسپانیا بر سر دوراهی راست و چپ

۴

هشدار فرستاده ترامپ

جنگ اوکراین می‌تواند تشدید شود

۴

گزارشی از نشست کتاب‌های «روان‌شناسی کمبریج»

مغز عصر حجر در جهان عصر دیجیتال

۷

مرور تجربه زمین‌لرزه ۴۷ سال پیش قائنات

از بحران سیاسی تا بازسازی

یادداشتی از مهدی زارع

۸

یادداشت

تصمیم پیش از دادرسی؟



جواد امام

اصل ۳۴ قانون اساسی، دادخواهی را حق مسلم هر فرد می‌داند و دسترسی به دادگاه‌های صالح را تضمین می‌کند. اصل ۳۵، حق انتخاب وکیل را به رسمیت می‌شناسد. اصل ۳۶ تصریح دارد که حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. اصل ۳۷ نیز با شناسایی اصل برائت، مقرر می‌کند که هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود. مجموع این اصول، صرفا مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی یا تشریفات اداری نیستند؛ بلکه تضمین‌های الزام‌آور قانون اساسی برای جلوگیری از اعمال سلیقه و سلب حقوق اشخاص بدون طی فرایند قانونی هستند. البته اصل برائت به معنای ممنوعیت هرگونه اقدام قانونی پیش از صدور حکم قطعی نیست؛ اما هر محدودیت یا محرومیتی که پیش از اثبات اتهام اعمال می‌شود، باید مستند به حکم صریح قانون، متناسب، قابل اعتراض و برخوردار از تضمین‌های دادرسی عادلانه باشد. نمی‌توان صرف طرح اتهام یا تنظیم یک گزارش امنیتی را مجوزی عام برای محروم‌سازی اشخاص از حقوق شهروندی تلقی کرد. از سوی دیگر، اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضائیه را پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق عدالت، احیای حقوق عامه و گسترش آزادی‌های مشروع می‌داند.

ادامه در صفحه ۵

سرکار خانم خرمندار
مدیر مالی مؤسسه نشر گستر امروز
درگذشت مادر گرامی‌تان را به شما و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند متعال برای آن مرحومه، علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.
از طرف غلامحسین جلالیفرد